

به سلسله اعتراضات هموطنان دربرای پشتیبانی از "قانون منع خشونت علیه زنان" اینک متن بیانیه پوهندوی شیما غفوری در تظاهرات هشتم جون در شهر فرانکفورت خدمت خوانندگان محترم تقدیم میدارم.

خواهران و برادران عزیز،

چهار سال قبل یک فرمان تقنینی برای منع خشونت علیه زنان که شامل چهار فصل و ۴۴ ماده بود، توسط رئیس جمهور کرزی امضا گردید. این فرمان بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان و قانون مدنی سال 1355 تدوین و ترتیب گردیده است.

بعد از چهار سال تطبیق امتحانی و نتایج مثبت آن، این قانون به تاریخ 28 ثور امسال جهت تصویب نهایی به ولسی جرگه مطرح گردید. ولی از جانب یک تعداد از اعضای ولسی جرگه به بهانه اینکه این قانون با اساسات دین مبین اسلام در ضدیت است، رد گردیده و به تعلیق انداخته شد.

سوال در این جاست که چرا چهار سال قبل هنگامیکه این فرمان توسط دانشمندان و علمای حقوقی و دینی پی ریزی گردیدو در تمام ارگانهای ذ بربط مورد تطبیق قرار گرفت، فرمان اسلامی بوده و حالا به یکبارگی از طرف بعضی از وکلا، مخالف دین اسلام ارزیابی میگردد.

در حقیقت در پس پرده چیزهای دیگری اند که برای هر بیننده تماشای آن مقدور نیست. اینها کسانی اند که از پیشرفت جامعه افغانستان و بالنتیجه از آزادی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور در هراس اند.

در جامعه که خشونت حاکم باشد، افراد آن معلول، احساساتی و بدون پیگیری منطقی در امور بار می آیند. خصوصیت عمده آن جامعه قهرمانی های بی موجب تک منشانه و کوتاه نگری ها، عقده پردازی ها تعصب و بدبینی هامیباشد. هرگاه زن افغان از زیر بار ظلم و استبداد مستمر و دایمی توسط قانون نجات پیدا نکند، محال است که ما از آینده خوشبخت افغانها و افغانستان حرف بزنیم. زیرا زن بحیث مادر با همان تجارب و روحیه که دارد، نسل آینده را تربیه میکند. جنگها و مهاجرت های متداوم در کشور اگر از یک جانب باعث برپادی های غیر قابل وصف گردیده اند، ولی نسلی را به وجود آورده که طور دیگری میاندیشند. زنان این نسل ولودر دورترین منطقه کشور، میخوانند علم بیاموزند، از دست آوردهای بشری مستفید گردند و به حیث انسان های باارزش در فامیل و جامعه زندگی نمایند، خودسوزی ها و خودکشی های زنان گواه آن است که زنان نمی خواهند و نمی توانند تحت شرایط کنونی بیشتر زندگی نمایند. ولی چوکاتهای تنگ جامعه که بخصوص بعد از جنگهای خانمانسوز هرچه بیشتر بر گلوی زنان فشار می آورند، همه خواب ها و خیال های شانرا برای یک زندگی انسانی به سراب مبدل میگردانند. تا دیر نشده، برای آنکه این چوکاتها بار دیگر از هم نشکنند و یک جامعه اغلب بیسواد و جنگزده دچار تلاطم، سردر گمی و تشننت دوباره نگردد، باید عدالت را بنیاد نمود. عدالت این است که مردان جامعه ما سر در گریبان نموده و زنان افغان را که همیشه به مردان وطن وفادار بوده اند، به حق انسانی شان برسانند. یک بار بیاندیشند که در زد و خورد های مردانه شان بر سر زنان کشور چه بلا های را که نیاروندند. آیا این همه کار های شان اسلامی بوده است، آیا فروش زنان افغان به خارجی ها، افغانی و اسلامی بوده است، آیا حیف و میل سرمایه های سرشار در یازده سال اخیر انسانی و اسلامی بوده است؟

زنان افغانستان عدالت میخوانند. اولین قدم در راه عدالت همین است که دیگر لت و کوب نشوند، توهین و تحقیر نگردند، قبل از بلوغ و سن قانونی به ازدواج مجبور نگردند امکان انتخاب همسر

زندگی شانرا داشته باشند، با پول معاوضه نگردند، مورد تجاوز جنسی قرار نگیرند، اگر زیر بار خشونت قرار بگیرند، قانوناً پناهگاه امنی را داشته باشند و در نهایت مانند یک انسان زندگی نمایند. آیا این توقعات خیلی بلند اند که زنان در مقابل قانون و جامعه دارند؟ کدام یک از این خواست ها و آرزوها غیر اسلامی است؟ ولی دقیقاً همین موارد ذکر شده از طرف عدّه از وکلا غیر اسلامی خوانده شده و رد گردیده اند.

قانون منع خشونت علیه زنان با تمام ماده هایش وسیله ای است که زندگی زن و مرد افغان را به سوی هماهنگی، محبت، توازن و خوشبختی خواهد برد.

از اینرو ما تظاهر کنندگان خواهان تصویب قانون منع خشونت علیه زنان با تمام محتویات چهار سال قبل آن میباشیم